



وضعیت امنیت غذایی در میان خانوارهای روستایی سرپل ذهاب و ارتباط آن با عوامل اجتماعی-اقتصادی و کشاورزی

سعید محمودی^۱ - محمود خرمی وفا^۲ - مسلم حدیدی^۳ - مریم احمدی^{۴*} - امیر جلالی^۵

۱- مربی روان پرستاری، مرکز تحقیقات پیشگیری از سوء مصرف مواد، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

۲- استادیار زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۳- مربی مرکز علمی آموزشی، فرهنگی و پژوهشی جهاد دانشگاهی، کرمانشاه، ایران.

۴- مربی مرکز بازتوانی بیمارستان امام علی (ع)، کرمانشاه، ایران.

۵- مربی روان پرستاری، مرکز تحقیقات پیشگیری از سوء مصرف مواد، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۶ فروردین ۱۳۹۸

چکیده مبسوط

۱. مقدمه

غذا و تغذیه از نیازهای اساسی جامعه بشری هستند، و امنیت غذایی به عنوان دسترسی پایدار به غذای سالم و مغذی برای داشتن یک زندگی سالم و فعال تعریف شده است. زمانی که غذا با چنین شرایطی در دسترس نباشد ناامنی غذایی اتفاق می افتد. با توجه به اینکه جوامع روستایی نسبت به جوامع شهری بیشتر آسیب پذیرتر هستند، به نظر می رسد وضعیت امنیت غذایی این جوامع دارای شکنندگی بیشتری باشد، بنابراین مشخص کردن چگونگی وضعیت امنیت غذایی این جوامع و تعیین عوامل مرتبط با آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. در جوامع روستایی وضعیت امنیت غذایی می تواند مستقیماً با استفاده بیش از حد از منابع محیطی در ارتباط باشد و همچنین می تواند با مهاجرت و حاشیه نشینی ارتباط داشته باشد، که هر دو می تواند برای تولید غذا و امنیت غذایی جامعه بزرگتر در سطح منطقه ای تهدید باشند. بنابراین، هدف ما از این مطالعه بررسی وضعیت امنیت غذایی و ارتباط آن با عوامل اجتماعی-اقتصادی در خانوارهای روستایی سرپل ذهاب، در غرب ایران، بود.

۲. روش تحقیق

مطالعه در شش زیربخش از دو بخش (زیربخش های بشیوه، حومه، پشت تنگ و دشت ذهاب از بخش مرکزی و زیربخش های قلعه شاهین و سراب از بخش قلعه شاهین) سرپل ذهاب انجام شد، و از نوامبر ۲۰۱۵ تا آوریل ۲۰۱۶ به طول انجامید. با استفاده از نمونه گیری خوشه ای تصادفی شش روستا از هر زیربخش به طور انتخاب شدند و از هر روستا نیز ۱۲ خانوار انتخاب شدند (در کل، ۴۳۲ خانوار). داده های دموگرافیک و فعالیت های کشاورزی خانوارهای مورد مطالعه به ترتیب با استفاده پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک (۱۵ آیتم) و پرسشنامه اطلاعات کشاورزی (۱۰ آیتم) گردآوری شد، که این پرسشنامه ها توسط تیم تحقیقاتی و با توجه به اطلاعات به دست آمده از طریق بحث های گروهی متمرکز طراحی شده بودند. وضعیت امنیت غذایی خانوار توسط پرسشنامه امنیت غذایی خانوار وزارت کشاورزی ایالات متحده ارزیابی شد (۱۸ آیتم). داده ها با استفاده از بسته نرم افزار آماری SPSS-22 تجزیه و تحلیل شدند. آزمون های مربع-کای، من-ویتنی، کروسکال-والیس و رگرسیون لجستیک چندگانه رو به جلو برای تحلیل داده ها استفاده شد.

*. نویسنده مسئول:

دکتر مریم احمدی

آدرس: مرکز بازتوانی بیمارستان امام علی (ع)، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

پست الکترونیکی: Email: m.ahmadi.6393@gmail.com

۳. یافته‌های تحقیق

شیوع ناامنی غذایی در کل خانوارهای مورد بررسی ۶۵/۳٪ بود، و شیوع ناامنی غذایی خانوار بر اساس کلاس‌های مختلف آن شامل ۲۸/۹٪ درصد ناامنی غذایی کم، ۲۰/۶٪ ناامنی غذایی متوسط، و ۱۵/۷٪ ناامنی غذایی شدید بود. بین دهستان‌ها از نظر وضعیت امنیت غذایی خانوار اختلاف معنی‌داری وجود داشت ($P < 0.01$). نتایج مطالعه نشان داد که شیوع ناامنی غذایی در دهستان‌های پشت‌تنگ و سراب (به ترتیب با ۸۳/۳٪ و ۷۶/۴٪) نسبت به سایر دهستان‌ها بالاتر بود. ناامنی غذایی خانوار ارتباط مثبت معنی‌داری با تعداد اعضای خانوار داشت ($P < 0.001$). ارتباط منفی معنی‌دار بین ناامنی غذایی خانوار و مالکیت زمین زراعی، تحصیلات سرپرست خانوار و درآمد خانوار وجود داشت ($P < 0.001$). نتایج مدل رگرسیون لجستیک چندگانه نشان داد که میزان مالکیت زمین زراعی، تحصیلات، داشتن کار آزاد افزون بر کشاورزی، کارمند بودن افزون بر کشاورزی و فعالیت باغبانی دارای ارتباط منفی معنی‌دار با ناامنی غذایی هستند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

کمترین میزان ناامنی غذایی در زیربخش‌های حومه و دشت‌ذهاب مشاهده شد (به ترتیب، ۵۲/۸٪ و ۵۴/۲٪). در حالی که بالاترین میزان ناامنی غذایی در زیربخش‌های پشت‌تنگ و سراب مشاهده شد (به ترتیب ۸۳/۳٪ و ۷۶/۴٪). کشاورزی منبع اصلی درآمد برای اغلب خانوارهای روستایی است، و این فعالیت به شرایط مختلفی بستگی دارد. دسترسی به آب سطحی برای کشاورزی در زیربخش حومه نسبت به سایر زیربخش‌ها آسان‌تر است، بنابراین کشاورزان در این دهستان قادر به کشت محصولات زراعی با ارزش اقتصادی بالاتر هستند (برای مثال، برنج، ذرت، انگور یا قوتی و سایر محصولات نقدینه)، بنابراین آن‌ها به علت تجاری‌سازی محصولات زراعی می‌توانند درآمد بیشتری در واحد سطح زمین داشته باشند. در

زیربخش دشت‌ذهاب اغلب کشاورزان از مالکیت زمین زراعی بیشتری برخوردار هستند و از منابع آب زیرسطحی برای کشاورزی بهره می‌برند. همچنین زیربخش‌های حومه و دشت‌ذهاب از زمین حاصلخیزتری نسبت به زیربخش‌های پشت‌تنگ و سراب برخوردار هستند. زیربخش‌های پشت‌تنگ و سراب در نواحی کوهستانی واقع شدند، و زراعت دیم در این نواحی متداول است، بنابراین بهره‌وری زمین زراعی در این نواحی بسیار پایین است. نهایتاً دسترسی محدود به آب کشاورزی، کمبود حاصلخیزی و زمین مسطح برای زراعت و بهره‌وری پایین زراعت دیم می‌تواند علت شیوع بالای ناامنی غذایی توسط کاهش درآمد خانوار کشاورز در این نواحی باشند؛ ضمن این که در سال‌های اخیر این مشکلات توسط خشک‌سالی و تغییرات آب و هوایی تشدید شدند. در زیربخش‌های حومه و دشت‌ذهاب چندکشتی و باغبانی رایج است، که این فعالیت‌ها می‌توانند یک تأثیر مثبت بر روی وضعیت امنیت غذایی خانوارها داشته باشد. با توجه به شیوع بالای ناامنی غذایی در ناحیه مورد مطالعه، برنامه‌های مداخله‌ای برای بهبود امنیت غذایی خانوارهای روستایی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، سیاست‌های کلان و منطقه‌ای برای افزایش تنوع تولیدات از طریق جنگل‌زراعی و چندکشتی باید تدارک دیده شود، که اولاً تنوع رژیم غذایی توسط محصولات ورودی مانند لگوم‌ها و سبزیجات افزایش می‌یابد، دوماً برای خانوار درآمد متنوع ایجاد می‌شود و سوماً پایداری و تاب‌آوری سیستم‌های کشاورزی در برابر تغییرات اقلیمی افزایش می‌یابد. این امر نیازمند حمایت مالی و ترویجی سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد است.

کلیدواژه‌ها: امنیت غذایی، ناامنی غذایی، شیوع، چندکشتی، خانوارهای روستایی.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر حامی مالی نداشته و نویسندگان از همه خانواده‌هایی که در این تحقیق شرکت کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنند.

Use your device to scan and read the article online



How to cite this article:

Mahmoudi, S., Khoramivafa, M., Hadidi, M., Ahmadi, M. & Jalali, A. (2020). Food security status among rural households in Sarpolzahab and its association with socio-economic and agricultural factors. *Journal of Research & Rural Planning*, 9(2), 35-47.

<http://dx.doi.org/10.22067/jrpp.v9i4.80003>